

نویسندگان: Cheryl Benard Medea Benjamin Masuda Sultan

منبع و تاریخ نشر: نیشنل انترست «2022-02-15»

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

بایدن میخ ۷ میلیارد دلاری را به تابوت
افغانستان کوبید

Biden Hammers a \$7 Billion Nail Into Afghanistan's Coffin

این تصمیم فاجعه بار باید در مسیر خود متوقف شود



بایدن

فبروری 2022 موضوع: افغانستان منطقه: اوراسیا؛ برچسب ها:
افغانستان؛ جنگ طالبان در افغانستان؛ ISIS؛ حقوق بشر

در 11 فبروری، رئیس جمهور جو بایدن فرمان اجرایی در مورد بودجه بانک مرکزی افغانستان صادر کرد. این تمرین در انعطاف دادن عضله توسط این ابر قدرت خودکامه ضربه دیگری به جمعیت غیرنظامی افغانستان وارد می کند. این دستور ناآگاه، ناعادلانه و به منافع حیاتی ایالات متحده آسیب می رساند - و عواقب ویرانگری خواهد داشت .
بایدن با یک قلم تصمیم گرفت که 7 میلیارد دلار از وجوه افغانی سرمایه گذاری شده در

بانک فدرال ایالات متحده به بانک مرکزی افغانستان بازگردانده نشود. و در عوض این مبلغ، به دو بخش تقسیم می‌شود، نیمی برای جبران خسارت خانواده‌های 11 سپتامبر که از طالبان به دلیل تبانی با القاعده شکایت کرده‌اند و نیمی دیگر به کمک‌های بشردوستانه برای مردم افغانستان پرداخته خواهد شد.

برخی زمینه‌ها و یا حالات بخاطر در نظر گرفتن این موضوع ضروری است. در طول مداخله بیست ساله ایالات متحده در افغانستان، این کشور یعنی ایالات متحده مؤسساتی را برای حکومتداری مدرن ایجاد کرد که یکی از آنها بانک مرکزی افغانستان، در افغانستان بانک بود. این بانک بر اساس بانک فدرال رزرو «Reserver» ایالات متحده الگوبرداری شده است و یک قانون بانکداری صحیح عملیات و یا اجراءات آن را هدایت می‌کند. نقش آن تنظیم نظام بانکی کشور و نظارت بر سایر بانک‌ها است. که راه اندازی صرافی‌های ارزی؛ و دارایی‌های کشورهای را مدیریت کند که شامل سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری در بانک‌های ایالات متحده و اروپا می‌شود. در حال حاضر، بانک مرکزی افغانستان حدود 7 میلیارد دلار در اوراق قرضه ایالات متحده، در طلا و در حساب‌های پس انداز سرمایه‌گذاری کرده است. 2 میلیارد دلار دیگر نیز به همین ترتیب در بانک‌های اروپایی سرمایه‌گذاری می‌شود.

زمانی که طالبان در اگوست 2021 کنترل خود را در افغانستان به دست گرفتند یا که براریکه قدرت دولتی تکیه زدند، دولت ایالات متحده از رژیم تحریمی از قبل موجود برای مسدود کردن دارایی‌های فدرال رزرو استفاده کرد. پیش از این، بانک مرکزی برای تامین نقد ینگ و تثبیت نرخ ارز، ماهانه از دارایی‌ها استفاده می‌کرد. این فریزیا منجمد کردن پول همراه با تحریم‌ها به این معنی بود که طی چند هفته اقتصاد افغانستان در سقوط آزاد قرار گرفت. تورم افزایش یافت. مردم نمی‌توانستند پس انداز خود را برداشت کنند. حقوق یا معاشات قابل پرداخت نبود. سرمایه‌گذاری غیرممکن شد، مانند تجارت، مشاغل ورشکست شدند. اعضای فاسد رژیم گذشته آنقدر پول نقد را به خارج از کشور انتقال داده بودند که کمبود افغانی، واحد پول کشور وجود داشت. اما بیشتر به دست نمی‌آمد زیرا شرکت چاپ‌کننده آنها، مستقر در اروپا، مجبور بود از تحریم‌های ایالات متحده تبعیت کند. و همه اینها درست در شرایطی اتفاق می‌افتاد که یک زمستان به خصوص سخت و یک خشکسالی طولانی همچو حلقه‌ای بر گلو مردم افغان می‌افتد و آن به این معنی بود که مردم به کمبود مواد غذایی و سوخت روبرو بوده و قیمت‌ها به شدت افزایش می‌یافت.

اولین مشکل این فرمان اجرایی این است که پول را با فرض اینکه متعلق به طالبان است، دفع می‌کند. اما اینطور نیست. این متعلق به مردم افغانستان است که بسیاری از آنها پس انداز زندگی خود را در بانک مرکزی خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ما همچنین باید روشن کنیم که این تقصیر آنها نیست که طالبان کنترل را در دست دارند. حکومت کنونی طالبان نتیجه یک آزمایش بیست ساله مهندسی اجتماعی ضعیف و بد اجرا شده

توسط ایالات متحده است که با یک استراتژی جنگی همراه شده است که شکست خورد و به خروجی آشفته به اوج رسید

. مشکل دیگر دستور **بایدن** این است که هدف از ذخیره ملی را کاملاً اشتباه تفسیر می کند. این مقداری بودجه نیست که بتوانید در اختیار سازمان های غیردولتی (NGO) برای کمک های بشردوستانه قرار دهید یا از آن برای حل و فصل پرونده های قضایی استفاده کنید. این ستون فقرات ثبات مالی یک کشور است.

برحسب اصول یا طبق حقوق، دارایی های بانک مرکزی افغانستان نباید در وهله اول مسدود می شد، یا در صورت احتیاط، باید به محض اینکه معلوم شد که بانک همچنان به کار خود ادامه می دهد، مسدود می شد. قبل از تسلط طالبان بجز یک رئیس گروه طالبان، هیئت حاکمه باقی می ماند. طالبان هیچ تلاشی برای مداخله در عملکرد بانک، تغییر قانون بانکداری یا دسترسی به طلاهایی که در خزانه های بانک باقی مانده است، انجام نداده اند.

لغو انجماد دارایی ها به معنای واگذاری همه پول به یکباره نیست. برنامه ای که توسط افغان ها و دیگر متخصصان بانکی پیشنهاد شده است این است که پول را در طول زمان به میزان 250 میلیون دالر در ماه آزاد کنند و دقیقاً نظارت کنند که این پول کجا می رود و با آن چه می شود. لحظه ای که هر چیزی نامناسب به نظر می رسد، انجماد می تواند فوراً دوباره برقرار شود.

در عوض، **بایدن** تصمیم گرفت که به صورت یکجانبه از این منابع مالی استفاده کند، تصمیمی که توسط بانک مرکزی تقبیح شده و با قضاوت در شبکه های اجتماعی، خشم افغان ها را در داخل و خارج از کشور برانگیخته است.

با توجه به 3.5 میلیارد دلاری که قرار است برای برآورده کردن شکایت گروهی از خانواده های 11 سپتامبر کنار گذاشته شود، شاید این ذکر است که قربانیان 11 سپتامبر غرامت قابل توجهی دریافت کرده اند، بیش از 2 میلیون دلار به ازای هر بستگان از دست رفته، و سایر فامیل های قربانیان «11» سپتامبر غرامت دریافت کرده اند. گروه های خانوادگی با این دعوی مخالفت می کنند. همچنین به یاد بیاوریم که هیچ افغانی در میان هواپیماربایان 11 سپتامبر وجود نداشت (پانزده نفر از نوزده نفر از عربستان سعودی بودند) و اکنون، بیست سال بعد، اکثریت افغان ها حتی در سال 2001 به دنیا نیامده بودند و مطمئناً هیچ سرزنبشی ندارند و نیمی دیگر از دارایی ها، یعنی 3.5 میلیارد دلار، یعنی طبق دستور **بایدن**، که برای کمک های بشردوستانه در نظر گرفته شده است، چگونه؟ آیا این به مردم افغانستان کمک نمی کند؟

سخت است تصمیم بگیریم که آیا این به بهترین شکل به عنوان یک پوچ اخلاقی یا ریاضی پاسخ داده می شود. از نظر اخلاقی، چه چیز بد بینانه تر از این است که به این دلیل که مقداری از آن را به یک موسسه خیریه می دهید که به آنها کمک می کند یا کمک کند یعنی پول خود افغان ها را، به معنای واقعی کلمه پس انداز زندگی یک نفر را بزدید؟ در مورد ریاضیات، سازمان های غیردولتی که ذینفعان مورد نظر از سرمایه های هنگفت **بایدن** هستند، یا که از شرکای **بایدن** هستند سربار بسیار بالایی دارند. به آنها حقوق غربی می پردازند، به امنیت و مترجم و تعمیرکار و ماشین های زرهی و دفاعی نیاز

دارند، از ایالات متحده و اروپا به داخل و خارج می‌شوند، و ترجیح می‌دهند در کابل کار کنند تا از مناطق دشوار روستایی دوری کنند. به گفته بازرس ویژه برای بازسازی افغانستان (SIGAR)، یک آژانس نظارتی دولت ایالات متحده، معمولاً 75 تا 80 درصد کل بودجه آنها را تشکیل می‌دهد. تصور راه ناکارآمد تر برای رساندن غذا به افغان‌های گرسنه دشوار است

. آیا دولت **بایدن** از بیست سال گذشته چیزی یاد نگرفته است؟ برگه اطلاعات کاخ سفید را در توضیح این فرمان اجرایی در نظر بگیرید. که می‌گوید :

« حتی قبل از حوادث ماه اوت گذشته، اقتصاد افغانستان در آستانه قرار داشت. افغانستان با نرخ فقر بالای 50 درصد مواجه است. کمک‌های مالی بین‌المللی کمک‌های مالی حدود 75 درصد از هزینه‌های عمومی و 50 درصد از بودجه دولت را تأمین می‌کند... فساد گسترده بخش‌هایی را که باید سودآور می‌بودند فلج کند..... این مشکلات منعکس‌کننده مسائل ساختاری طولانی مدت است که قبل از حوادث اوت 2021 بوده و به دلیل عدم اطمینان و درک بدتر شده است. خطری که توانایی طالبان برای اداره اقتصاد را احاطه کرده است. »

اما قبل از اوت گذشته، چه کسی مسئول بود؟ دولت افغانستان با حمایت ایالات متحده، تحت حمایت ایالات متحده و تا حد زیادی توسط ایالات متحده مهندسی شده است. آیا کاخ سفید این را فراموش کرده است؟ اگر "فساد لجام‌گسیخته" وجود داشت و اقتصاد گرفتار "مسائل ساختاری دیرینه" بود، پس اینها تحت نظر ما اتفاق افتاد! اقتصاد افغانستان «قبل از ماه اوت گذشته» توسط آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده، با کمک جهانی و «اهدای مالی بین‌المللی» که اساساً به کشور کمک مالی می‌کردند، تمویل، ساختار و مدیریت می‌شد. اگر می‌توانیم از آن درس بگیریم، این است که نمی‌دانیم چه چیزی برای افغانستان خوب است و نباید آن را اداره کنیم یا این حال، این دقیقاً همان چیزی است که **بایدن** اکنون تداوم و تشدید کرده است، با این تفاوت که اکنون او پس‌انداز شهروندان افغان را برای انجام این کار از بین می‌برد.

در حالی که کاخ سفید تأکید می‌کند که برنامه‌اش «به نفع مردم افغانستان و آینده افغانستان» است، اما مطمئناً آینده افغانستان با تبدیل آن به یک مورد خیریه و دریافت‌کننده کمک‌های دائمی به بهترین شکل ممکن نخواهد بود. در عوض، اگر داری‌های خود افغان‌ها به اقتصاد کشور بازگردانده می‌شد، می‌توانستند یک بازسازی ارگانیک پس از جنگ را تأمین کنند که در آن بازرگانان می‌توانند بار دیگر تجارت کنند، تجارت‌های کوچک و بزرگ بازگشایی شوند، خانه‌ها و دکان‌ها و تجارت‌ها بازسازی شوند، مزارع آماده شوند. فصل کاشت بعدی و اما از سوی دیگر، اجازه دادن به افغانستان به سوی ویرانی کامل اقتصادی و اجتماعی، پیامدهای ویرانگری خواهد داشت. گروه‌های تروریستی معمولاً مردان جوانی را جذب می‌کنند که هیچ وسیله دیگری برای امرار معاش ندارند. اگر آنها نتوانند دستمزد بگیرند، جوانان افغان در برابر استخدام توسط

داعش آسیب پذیر خواهند بود یا به یک میلیون نفری خواهند پیوست که قبلاً از مرز پاکستان، ازبکستان و ایران عبور کرده اند و در نهایت سعی می کنند به عنوان پناهنده وارد اروپا شوند. به نام بهره مندی از خانواده های 11 سپتامبر، زمینه را برای 11 سپتامبر آینده خواهیم کا شت .

این تصمیم فاجعه بار باید در مسیر خود متوقف شود .
ما از متخصصان حقوقی و شرکت های حقوقی می خواهیم که مشروعیت این دستور را بررسی و به چالش بکشند .

ما از کمک های بشردوستانه بین المللی و جامعه غیردولتی می خواهیم که از دریافت این پول خودداری کنند و از سایر کشورها و نهادها می خواهیم در اجرای این دستور ناعادلانه همکاری نکنند .

ما از خانواده های 11 سپتامبر می خواهیم که در این دعوی حقوقی شرکت کرده اند، تجدید نظر کنند که آیا واقعاً می خواهند از تصمیمی که به زندگی 40 میلیون مرد، زن و کودک افغان آسیب می زند، سود ببرند .

در نهایت، ما از مردم آمریکا می خواهیم، صرف نظر از هر گونه وابستگی حزبی، به کاخ سفید و نمایندگان شما درکنگره اطلاع دهند که شما از این تصمیم وحشت زده شده اید و خواهان لغو آن هستید .

----- **با تقدیم احترامات «21-02-2022»**